

هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان: پیامدها و چالش‌ها

محمد یزدان پناه

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

محمد عیسی نژاد

دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

مجید نجات‌پور*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

بی‌شک، «جهانی‌شدن» مهمترین و بارزترین پدیده‌ی عصر ماست؛ هر چند که اصطلاح جهانی‌شدن در بعد اقتصادی متضمن همگرایی حوزه‌های مختلف حیات انسانی است، لیکن در بعد فرهنگی، فرصت مناسبی برای تنوع و واگرایی فرهنگی در سطح جهانی فراهم کرده است. در این راستا، امنیت فرهنگی یکی از مهمترین چالش‌های جوامع فرامدرن در عصر جهانی‌شدن به شمار می‌رود. قاره‌ی اروپا به عنوان یک جامعه‌ی فرامدرن، همگام با تشکیل و تثبیت اتحادیه‌ی اروپا، با مشکلات فرهنگی و اجتماعی جدیدی مواجه است. اهمیت مرزهای فرهنگی در فضای جهانی‌شدن به گونه‌ای است که حضور جمعیت قابل توجهی از مسلمانان در اروپا را تهدیدی برای امنیت فرهنگی اروپاییان مبدل ساخته است. پیشینه‌ی تاریخی جنگ‌های صلیبی، میراث امپراطوری عثمانی همراه با احتمال پذیرش عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا و تصویر نامناسب از اسلام در اروپا، از مهمترین این چالش‌ها هستند. لکن اتحاد و انسجام مسلمانان در اروپا همراه با جمعیت رو به رشد آنها نشانگر نیاز متقابل اروپاییان و مسلمانان به یکدیگر می‌باشد. حفظ تفاوت‌های فرهنگی میان مهاجرین و بازگشت به هویت اسلامی میان نسل‌های جدید، اهمیت این امر را نمایان می‌سازد. از این رو، تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی نوین در رابطه با مسلمانان، از سوی کشورهای اروپایی، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: هویت اسلامی، جهانی‌شدن، امنیت فرهنگی، اروپاییان، مهاجرین مسلمان

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۹/۱۲

نویسنده عهده‌دار مکاتبات (محمد یزدان پناه): majidnejatpoor616@gmail.com

۱- مقدمه

بی‌شک، «جهانی‌شدن» (Globalization) مهمترین و بارزترین پدیده‌ی عصر ماست؛ و امروزه مقالات بسیاری در مورد ماهیت و تاثیرات آن به رشته‌ی تحریر درآمده است. از آنجا که جهانی‌شدن یک فرآیند چند بعدی و ناتمام است، با وجود دیدگاه‌ها و تفاسیر متنوع و مختلف درباره‌ی ماهیت و چیستی جهانی‌شدن، هنوز اجماع نظر قابل توجهی میان محققین و صاحب‌نظران به وجود نیامده است. با این حال، جهانی‌شدن شامل دو روند متناقض و پیشرونده‌ی همگرا و واگرا است. از مصادیق این واگرایی مسأله‌ی مهاجرت و پیامدهای آن برای جوامع مدرن است. در این میان، مقوله‌ی مهاجرت مسلمانان به اروپا از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، چرا که هم دارای سابقه‌ی تاریخی نسبتاً طولانی بوده است و هم متأثر از تحولات اخیر اروپا می‌باشد.

در این مقاله سعی شده است که پیامدها و چالش‌های مهاجرت مسلمانان به اروپا براساس مفهوم امنیت فرهنگی، بررسی و با تحلیل شرایط موجود، راهکار مناسبی برای این چالش در کوتاه‌مدت ارائه شود. با توجه به روند رو به رشد مهاجرت از کشورهای در حال توسعه‌ی اسلامی به کشورهای توسعه یافته‌ی اروپایی، بر این نکته تاکید می‌شود که برای بهبود ساختار اجتماعی چندقومی در کشورهای پیشرفته، باید بدیل‌ها و راه‌های مناسبی اندیشیده شود. در پایان به اثبات این فرضیه می‌پردازیم که اروپایی‌ها و مسلمانان به صورت متقابل نیازمند یکدیگرند.

۲- مفهوم امنیت فرهنگی در عصر جهانی‌شدن

«امنیت فرهنگی» (Cultural security) به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص جامعه است، به نحوی که این شاکله، تشکیل دهنده‌ی ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم «دولت - ملت» (Nation - state) و متمایزکننده‌ی ملت یک کشور از کشورهای دیگر است.

تاثیری که جهانی‌شدن بر این بعد از امنیت ملی گذاشته است، مربوط به افزایش نیروهای نفوذکننده‌ی متقابل، به‌ویژه افزایش فزاینده‌ی مهاجرت، پناهندگی، آزادشدگی فرد، جریان یافتن ارتباطات فردی، قومی و گروهی می‌شود؛ که این امر به گسترش فردیت همراه با تعلق به یک سمبل خاص در ورای «مرزهای ملی» (National borders) حکومت‌ها انجامیده است. (تاجیک، ۱۷۷، ص ۱۱۴)

به علاوه، انقلاب اطلاعاتی (Information revolution) و گسترش ارتباطات بین-المللی (International communication) موجب تعارض میان فرهنگ ملی و روند یکسان-

سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگی در سطح جهان گردیده است. به این ترتیب، انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات جهانی به یکی از عناصر تعیین‌کننده در زمینه‌ی امنیت فرهنگی تبدیل شده است. جریان فرامرزی اطلاعات، از یک طرف فرهنگ‌های ضعیف و محلی را در موقعیت رقابتی نابرابر قرار می‌دهد. و از طرف دیگر، موجب بی‌ثباتی جوامع ملی می‌گردد. در نتیجه، بسیاری از ملل دنیا احساس می‌کنند که برنامه‌ریزی‌های منسجم ملی و ارزشها و هویت خاص آنها در حال رنگ‌باختن است. تاثیر دیگر جهانی‌شدن را می‌توان به برتری هویت فرهنگی نسبت به هویت سیاسی نسبت داد. به تدریج که حکومتها بخشی از حاکمیت خویش (نظیر حاکمیت اقتصادی) را از دست می‌دهند، شهروندان آنها نیز انتظارات خود را از آنچه حکومت می‌تواند ارائه دهد، پایین می‌آورند. (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰)

«هانتینگتون» معتقد است که فرایند نوسازی اقتصادی و تغییر اجتماعی در سراسر جهان، مردم را از هویت‌های محلی دیرینه‌ی آنها جدا می‌سازد. در این فرایند دولتهای ملی نیز به عنوان منشاء هویت، ضعیف می‌شوند، در نتیجه‌ی این روند همگانی، با محو تدریجی تمایزها در ایدئولوژی و ساختار حکومت‌های ملی، غرور مردم نیز از ملی‌گرایی سیاسی به سوی ملی-گرایی فرهنگی می‌گراید. به خصوص در مواردی که واحدهای ملی فاقد دولتی هستند که با مرزهای فرهنگی آنها مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، مرزهای سیاسی - اقتصادی به مرزهای فرهنگی (Cultural borders) تبدیل می‌شوند. این مرزبندی فرهنگی دو نتیجه متناقض دارد. از یک طرف موجب تشدید نوعی از ملی‌گرایی شدید فرهنگی به‌ویژه در بین قومیت‌های فاقد دولت می‌گردد، و از طرفی موجب ظهور نوعی از ارزشها و فرهنگ جهان-شمولی چون، حقوق جهانی بشر می‌شود. این امر به تدریج به ظهور نوعی از وابستگی متقابل فرهنگی منجر می‌شود؛ چرا که تقویت اشتراکات فرهنگی و ارزشهای جهان‌شمول، پیوندهای قومی و فراملی باعث مهاجرت گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی در طول مرزها می‌شود و در-نتیجه موجب ارتباط نزدیک جوامع با همدیگر می‌گردد. (هانتینگتون: ۱۳۸۱، ص ۷۸). آثاری که این روندها خواهند داشت، می‌توانند به این شکل مطرح شوند که با گسترش و تشدید هویت‌های فرهنگی، اولاً، کشورها در تأمین امنیت فرهنگی برحسب سیستم دولت - ملت دچار مشکل می‌گردند؛ به‌ویژه این امر در کشورهایی که دارای ساختار فرهنگی چندگانه هستند و نیز در مناطقی که یک گروه قومی یا زبانی، در داخل قلمروهای سرزمینی چند کشور پخش شده‌اند صادق می‌باشد. ثانیاً، در سایه‌ی رشد آگاهی‌های روزافزون شهروندی و هویت‌های فرهنگی از هم‌نوعان خویش در نقاط مختلف جهان، حکومتها باید امنیت فرهنگی و هویت‌های فرهنگی مشابه شهروندان خویش در نقاط مختلف جهان را، دخیل در امر امنیت فرهنگی خویش بدانند؛ چنان‌که اقلیت‌های عمده‌ی مسلمان در کشورهای اروپایی مسأله‌ی خارجی همچون، جنگ‌های استقلال الجزایر را به مسأله‌ای داخلی برای اتحاد اروپا تبدیل کردند. همچنین حضور قابل

توجه جمعیت ترک در آلمان، بر روند گفت‌وگوی اتحادیه‌ی اروپا و ترکیه سایه افکنده است. ثالثاً، تأمین امنیت فرهنگی در فضای سایبرنتیکی کنونی، نه از طریق انزوا و فعالیت در چارچوب ملی، بلکه مستلزم عملکرد فعال فرهنگی در دنیا و ارتباط کنش و واکنشی با دیگر فرهنگ‌ها می‌باشد. به طوری که از طریق همکاری با فرهنگ‌های مشابه و تقویت نقاط اشتراک با فرهنگ‌های دیگر، می‌توان مانع از تسلط جهانی یک فرهنگ یا فرهنگ‌های سلطه‌جو گردید. رابعاً، در نتیجه‌ی شرایط مذکور و با تقویت پیوندهای فراملی و افزایش مهاجرت گروه‌های قومی در طول مرزها، نوعی وابستگی متقابل فرهنگی ایجاد می‌گردد. به علت تراکم زمانی و مکانی، از یک طرف این فضای وابستگی متقابل فرهنگی تشدید می‌گردد، و از طرفی به سبب تنوعات و اختلافات فرهنگی، به نوعی، اصطکاک و برخورد تمدنی - فرهنگی تشدید می‌گردد، در این صورت، دولت‌ها باید امنیت فرهنگی را شامل کل حوزه‌ی تمدنی - فرهنگی قلمداد نمایند. (آیورلیو: ۱۳۸۲، ۸۳)

۳- تعاملات تاریخی مسلمانان و اروپایی‌ها

از گذشته تا به امروز، جهان اسلام و جهان مسیحیت با وجود این که به خدای واحدی معتقد هستند، در بسیاری از جهات در تقابل و تضاد بوده‌اند. یکدیگر را مشرک می‌پندارند و از همدیگر دوری می‌کنند. این تمایل، مخصوصاً در میان مسیحیان به طور محسوسی دیده می‌شود که مسلمانان را بربر، غیرمتمدن و رادیکال می‌خوانند.

در یک برهه‌ی تاریخی، جهان اسلام و جهان مسیحیت (اروپا) در جنگ‌های صلیبی در ستیز برای تعیین مرز میان خود بودند و این برخوردها در قرون جدید در قالب جنگ‌های امپراطوری عثمانی با قدرت‌های اروپایی ادامه داشت. (Malik:2003.126) در اوج پیروزی مسلمانان، آنها تا مرکز اروپا، یعنی وین، پیشروی کردند. اما بعدها در جنگ جهانی اول، امپراطوری عثمانی که طی قرون متوالی به عنوان قدرتمندترین امپراطوری مسلمانان و دشمن اصلی اروپا، از حیث ایدئولوژیک و سیاسی، به‌شمار می‌رفت، فروپاشید.

به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و سبک زندگی، امروزه افزایش قابل ملاحظه‌ی مهاجرت از سوی کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای مدرن اروپایی، مسلمانان و اروپایی‌ها را مجبور به زندگی در کنار یکدیگر کرده است.

اولین مهاجرت‌های هدفمند و قابل توجه، بعد از جنگ جهانی دوم، از کشورهای فقیر جهان سومی صورت گرفت؛ که به عنوان نیروی کار ارزان و به منظور احیای کشورهای اروپایی به آنجا مهاجرت کردند. برای مثال، تعداد زیادی ترک به آلمان و همچنین افراد زیادی از پاکستان به بریتانیای کبیر مهاجرت کردند. با این وجود بعد از دو شوک نفتی بزرگ در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی؛ اهمیت مهاجرین مسلمان به عنوان نیروی کار به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و

حتی وجود آنها مانع بزرگی برای مقابله با بحران‌های اقتصادی، از جمله بیکاری، تلقی گردید. به همین دلیل «نژادپرستی جدید» (New racism)، در اکثر نقاط اروپا از جمله فرانسه شدت یافته است. در فرانسه رهبر جبهه ملی، «ژان ماری له پن» که به شدت مخالف اعطای حقوق برابر به مهاجرین مسلمان بود؛ ابتدا در دهه ۱۹۸۰ حائز رأی بالا شد و سپس در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۲ تا مرحله دوم پیش رفت. افزایش اقبال مردمی نسبت به احزاب راست افراطی، نظیر "جبهه ملی فرانسه"، زنگ خطر را برای مهاجرین اروپا، مخصوصاً مسلمانان، به صدا درآورده است. این هشدار در قالب فشار و تبعیض بر مسلمانان مقیم فرانسه و ممنوعیت حجاب در مدارس نمود یافته است. برخی از اندیشمندان این روند را نوعی نژادپرستی جدید در اروپا قلمداد می‌کنند؛ چرا که متفاوت از «نژادپرستی سنتی» (Classic racism) است. به عبارت روشن‌تر در حالی که نژادپرستی سنتی مبنای میراث زیستی داشت؛ نژادپرستی نو بر ذات فرهنگی و تفاوت‌ها تاکید می‌کند. حرکت فکری جدید زمینه‌های اعمال و ابراز احساسات نژادپرستانه اروپاییان نسبت به مهاجرین مسلمان را مهیا کرد. (Malik:2001,47)

۴- آینده‌ی مسلمانان در اروپا

آینده‌ی اسلام و مسلمانان در اروپا، به دو عامل اساسی بستگی دارد؛ یکی، آینده‌ی اسلام در عرصه‌ی جهانی و دیگری، آینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا. اسلام به‌عنوان یک دین آسمانی، دارای قواعد و هنجارهای انسانی جهان‌شمول است و صرف نظر از عواملی مانند، جغرافیا، قومیت، زبان و نژاد، داعیه‌ی گسترش در سرتاسر جهان را دارد. واقعیات بین‌المللی نیز از روند رو به رشد اسلام در مناطق مختلف جهان، از جمله اروپا، حکایت دارد.

آینده‌ی اروپا نیز به مقدار زیادی به آینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا بستگی دارد. این قاره که مبدأ ایجاد «واحدهای وستفالیایی» (Westphalian entities) بر مبنای دولت - ملت بوده است، هم‌اکنون دوران گذار به یک واحد فراملی تحت عنوان «اتحادیه‌ی اروپا» را طی می‌کند. این تحولات تقریباً در نقطه‌ی مقابل تحولات جهان اسلام قرار دارد، که از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی، به صورت واحدهای مجزا درآمده است. (Ramadan:2004,29) در ادامه به برخی از مهمترین چالش‌های پیش روی اتحادیه‌ی اروپا در ارتباط با مسلمانان می‌پردازیم.

۴-۱- نگرانی اروپایی‌ها نسبت به افزایش جمعیت مسلمانان در این اتحادیه

با نگاهی گذرا به پراکنش ادیان آسمانی در گستره‌ی جهان، می‌توان پی برد که اکثریت مسلمانان در قاره‌ی آسیا و در مقابل، اکثریت مسیحیان در قاره‌های اروپا و آمریکا زندگی

می‌کنند. تعداد جمعیت مسلمانان در جهان حدود ۱,۶ میلیارد نفر است، در حالی که ۲,۱ میلیارد نفر مسیحی در جهان زندگی می‌کنند؛ با این توضیح که نرخ رشد جمعیت مسلمانان از مسیحیان بیشتر است. همچنین میزان جمعیت جوان مسلمانان از اروپاییان مسیحی بیشتر است. بنابراین، تفاوت موجود فقط کمی نبوده بلکه دارای ویژگی کیفی نیز می‌باشد. طبق بررسی‌های سازمان ملل متحد، قاره‌ی اروپا نیاز به ۱۶ میلیون مهاجر در فاصله‌ی زمانی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ دارد. روشن است که مسلمانان، میزان قابل توجهی از این مهاجران را تشکیل می‌دهند و یا در آینده‌ی نزدیک تشکیل خواهند داد. با توجه به سیاست‌های اجتماعی و سیاسی اتخاذ شده در بسیاری از کشورهای اروپایی، می‌توان پیش‌بینی کرد که بسیاری از این مهاجران که به امید کار و زندگی مطلوب وارد اروپا می‌شوند، چیزی جز ناامیدی نصیبشان نخواهد شد. (Leiken:2005,156)

۴-۲- احتمال پذیرش ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا

اگر کشور ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی با قدمت زیاد، در اتحادیه‌ی اروپا مورد پذیرش قرار گیرد، میزان جمعیت مسلمانان در اروپا افزایش قابل توجهی خواهد داشت. این کشور هم اکنون دارای ۷۷ میلیون نفر جمعیت است که بالاتر از کشورهای مهم اتحادیه‌ی اروپا نظیر؛ فرانسه، انگلستان و ایتالیا قرار می‌گیرد. تنها آلمان، با بیش از ۸۰ میلیون نفر جمعیت، پر جمعیت تر از ترکیه است؛ ولی ترکیه با توجه به نرخ رشد جمعیت، در آینده‌ی نزدیک به پرجمعیت ترین کشور این قاره تبدیل خواهد شد. در نتیجه پذیرش احتمالی این کشور در اتحادیه‌ی اروپا، از منظر ترکیب جمعیتی مسلمانان در این اتحادیه، حائز اهمیت است.

در سال ۱۹۵۹، یعنی تنها پس از دو سال از انعقاد معاهده‌ی رم، ترکیه خواستار پیوستن به این معاهده گردید. همچنین این کشور در سال ۱۹۸۷ دوباره درخواست عضویت نمود. در دسامبر ۱۹۹۹، کاندیداتوری این کشور توسط سران کشورهای اروپایی در هلسینکی مورد موافقت قرار گرفت. چهار سال بعد در دسامبر ۲۰۰۴، اعضای جامعه‌ی اروپا تصمیم گرفتند که مسأله‌ی درخواست عضویت ترکیه را به مذاکره بگذارند. به دنبال این وقایع، «ژاک شیراک» رئیس جمهور وقت فرانسه و «گرهارد شرودر» صدر اعظم وقت آلمان سال ۲۰۱۵ را به عنوان سال تصمیم‌گیری نهایی در رابطه با عضویت این کشور اعلام کردند.

دلیل اساسی این تأخیر و تردیدها در مورد پذیرش ترکیه، چیزی جز تأثیر جمعیت مسلمان ترکیه بر اروپا نیست. به اعتقاد بسیاری از اروپایی‌ها ورود ترکیه به این اتحادیه باعث دامن زدن به مشکلات اجتماعی مخصوصاً در رابطه با ارزش‌های فرهنگی می‌شود. در این راستا، «مایکل ریکارد» (Michael Ricard) رئیس کمیسیون فرهنگی پارلمان اروپا می‌گوید: «ترکیه چیزی است که باید از آن ترسید؛ چرا که یک کشور جهان سومی و مسلمان است. این کشور

بیش از انگلستان، فرانسه و ایتالیا جمعیت دارد. در آینده‌ی نزدیک، جمعیت ترکیه به مرز ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید، این بدین معنی است که بالاتر از آلمان و در ردیف اول خواهد ایستاد».

به طور کلی، مهاجرین ترکی که در اروپای غربی زندگی می‌کنند و همچنین تمام مسلمانان اروپا به نتیجه‌ی این فرآیند به عنوان حیاتی‌ترین مسأله در آینده‌ی منازعات فرهنگی_ هویتی و زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی، می‌نگرند. (Zemni et al:2002,349)

۴-۳- تصویر نامناسب از اسلام در اروپا

تصویری که بسیاری از غربی‌ها و اروپاییان از جهان اسلام دارند، یکی از موانع عمده در برابر همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان و اروپایی‌ها است. به طور کلی، تصویری که از اسلام و مسلمانان در اروپا وجود دارد عبارت است از: بی‌سوادی، فقر، فقدان تحقیقات علمی، بیگانگی فرهنگی، شرایط نامساعد برای زنان و محدودیت‌های اساسی در موضوع اجرای حقوق بشر و آزادی بیان. صرف نظر از این‌که تصویر مذکور چقدر با ماهیت واقعی جهان اسلام مطابقت دارد؛ مانعی عمده در برابر سیاست‌های همانندسازی (Assimilation policies) بسیاری از کشورهای اروپایی می‌باشد. بنابراین تا زمانی که اروپایی‌ها خودشان را از همسایگان دیروزی و هموطنان امروزی برتر تعریف کنند، نمی‌توان به آینده‌ی سیاست‌های همگون‌سازی در این قاره امیدوار بود. این فرآیند نیاز به یک بازتعریف جدی از خود و دیگری دارد که شواهد موجود، حرکت در این مسیر را نشان نمی‌دهد؛ بلکه ما شاهد افزایش خشونت‌ها علیه مسلمانان در کشورهای اروپایی هستیم. میزان این خشونت‌ها و مقاومت‌ها در برابر مسلمانان و اسلام در اروپا به حدی است که می‌توان آن را «اسلام هراسی نوین» (New islamophobia) نامید. طبق آمارهایی که از سازمان‌های اسلامی واقع در بریتانیا ارائه شده است، میزان حمله به مسلمانان از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، بیش از سیزده بار نسبت به سالهای پیشین، افزایش داشته است. همچنین قوانین جدیدی که در مجالس کشورهای اروپایی تصویب شده است، روند امور را برای مسلمانان راحت تر نکرده، بلکه محدودیت‌های زیادی بر آنها ایجاد کرده است.

۴-۴- اتحاد و انسجام مسلمانان

مسلمانان به‌رغم برخورداری از تنوع زبانی، نژادی و جنسی، دارای احساس مشترک مسلمان- بودن هستند و بسیاری از آنان هویت مذهبی و اسلامی خویش را مهمتر از سایر لایه‌های هویتی خویش می‌دانند. این احساس به حدی است که امروزه حتی تصور آن برای یک فرد

غربی دشوار به نظر می‌رسد. طبق تحقیقاتی که در بسیاری از کشورهای عربی انجام گرفته است، بسیاری از عرب‌ها هویت اسلامی خویش را مقدم بر هویت ملی-عربی خویش می‌دانند. به عنوان مثال طبق تحقیقات اخیر موسسه‌ی آمریکایی «پی.ای. دبلیو» (P.E.W) تنها در مراکش، حدود ۸۰ درصد از جمعیت این کشور، اسلام را به عنوان گزینه‌ی اول انتخاب می‌کنند که درصد قابل توجهی است. (Christian:2005,24) همه‌ی این آمار و ارقام نشان می‌دهد که اسلام از یک مذهب فراتر استند و مقدم‌ترین هنجار و ارزش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای مسلمانان است.

به طور کلی، وحدت مسلمانان همراه با حفظ تنوع در آن، یکی از مهمترین دلایل موفقیت اسلام در جهانی-سازی خویش بوده است. این تنوع به وحدت، معنا می‌دهد، و همچنین فرهنگ‌های مختلف را می‌پذیرد. اهمیت این موضوع به حدی است که «ماهاتما گاندی» (Mahatma Gandhi) رهبر فقید هند، بر لزوم حفظ تنوع فرهنگی برای رسیدن به یک وحدت ملی تأکید می‌کند. همچنین «جرج باتسن» (Gorge Batsin) پژوهشگر برجسته در زمینه‌ی ارتباطات، با این جمله‌ی قصار که، «این تفاوت است که موجب ایجاد تمایز می‌شود»، معتقد است که همگرایی بدون احترام به تفاوت‌ها، منجر به واگرایی می‌شود.

۵- مسلمانان و امنیت فرهنگی اروپاییان

اروپایی‌ها، مسلمانان را به علت سابقه‌ی تاریخی جنگ‌های صلیبی، و امپراطوری عثمانی را به عنوان یک دشمن بالقوه برای خود قلمداد می‌کنند و نگران تغییر در بافت اجتماعی و فرهنگی خود هستند. هر چند در سالهای اخیر به ظاهر کشورهای اروپایی تلاش می‌کنند این نوع کنش تقابلی را ترک کرده و رفتار صلح‌آمیز و متعادلی را در ارتباط با مسلمانان داشته باشند، لکن هنوز کشورهای مسلمانی همچون ایران و برخی کشورهای عربی را به منزله‌ی تهدیدی برای خود قلمداد می‌کنند. با این وجود، کشورهای اروپایی در مقایسه با ایالات متحده‌ی آمریکا موضع عادی‌تری در ارتباط با کشورهای اسلامی در پیش گرفته و سعی در گسترش روابط با این کشورها دارند.

در بعد داخلی، مهاجرین مسلمان هنوز تفاوت‌های فرهنگی خود را با وجود سالها زندگی در کنار اروپاییها حفظ کرده‌اند. آنها به علت اشتغال در کارهای فیزیکی و فقدان مهارت در آن، با درآمدهای کم در طبقات پایین جامعه قرار می‌گیرند و آموزش و تربیت فرزندان آنها در مقایسه با بومیان اروپایی سطح پایینی دارد، در نتیجه، آنها به سمت ارتکاب جرایم و بزه‌کاری، برای بیان نارضایتی خود از شرایط جامعه، تمایل دارند.

این تمایلات به صورت ایجاد اجتماعات قومی کوچک در حاشیه‌ی شهرها و مبادرت به درگیری‌ها و آشوب‌های خیابانی علیه پلیس نمود پیدا می‌کند. ناآرامی‌های اخیر در فرانسه، که

عنصر اصلی آنها سیاهان مسلمان آفریقایی تبار بودند و منازعات قومی میان ترک‌های مهاجر آلمانی و بومیان اصلی، نمونه‌هایی از این برخوردهاست. پیشرفت و گسترش این آشوب‌ها در فرانسه، آلمان، بلژیک و حتی انگلستان در سالهای اخیر قابل توجه بوده است. (Dilanian:2004,93)

علاوه بر سابقه‌ی تاریخی اختلافات و تمایزات فرهنگی زیاد، باید مقوله‌ی تروریسم را هم بر موارد فوق افزود. بعد از حملات یازده سپتامبر، مسلمانان به طور بی‌ملاحظه‌ای به عنوان تهدید و مستعد تروریست شدن قلمداد شدند. به علت تبلیغات بیش از اندازه‌ی رسانه‌های غربی در سالهای اخیر، بسیاری از مردم اروپا آنها را به عنوان فعالین تروریسم مورد توجه قرار می‌دهند (Rabasa:2005,10)

«الیور روی» (Oliver Roy) محقق و اسلام‌شناس فرانسوی از رادیکال‌تر شدن مسلمانان در جوامع غربی ابراز نگرانی کرده و نسبت به تبعات آن هشدار می‌دهد. (Roy:2003,266)

«رابرت لیکن» (Robert Leiken) در مقاله‌ی خود متذکر می‌شود که تعداد زیادی از مسلمانان افراطی بدون تهیه ویزا به راحتی وارد آمریکا و دیگر کشورهای توسعه یافته شده‌اند. در نتیجه امروزه اروپا مکان مناسبی برای تروریست‌ها به منظور هدایت اهداف تروریستی در آمریکا، آفریقا، خاورمیانه و البته خود اروپا است. (Leiken:2005,78)

۶- نیاز متقابل مسلمانان و اروپایی‌ها به یکدیگر

این تناقض بزرگی است که به‌واقع اروپایی‌ها تاکنون از مسلمانان به صورت تاریخی نفرت داشته‌اند، و با وجود این، خودشان به آنها نیازمند بوده‌اند. این نیاز در گذشته تنها به نفت و موادخام مورد نیاز برای راه‌اندازی چرخ‌های نظام سرمایه‌داری محدود می‌شد؛ اما امروزه با فراگیر شدن بحران هویت در سطح جهانی، این نیاز چندین برابر شده است. درواقع اروپایی‌ها به مسلمانان نیاز دارند تا هویت از دست رفته‌ی خود را بازیابند و خود را به عنوان اروپایی شناسایی کنند. مسلمانان نیز برای بازتعریف هویت سنتی خود نیاز به یک «دگر» (Other) مدرن دارند. در نتیجه این یک تعامل بین‌الذهانی دوطرفه است. (More:2003,16)

هم‌اکنون ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی، در حال تلاش برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپاست، لیکن به نظر می‌رسد با توجه به شرایط موجود در نظام بین‌المللی، این اتفاق به یقین زمان و تلاش زیادی می‌طلبد. این مسأله که ترکیه می‌تواند وارد اتحادیه‌ی اروپا شود، هنوز نامشخص باقی مانده است. با توجه به خیزش محافظه‌کاری جدید در اکثر کشورهای بزرگ اروپایی و اقبال مردم به احزاب راست افراطی، احتمال موفقیت این پروسه زیر سؤال می‌رود، چون با ورود ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا، مسلمانان بسیاری می‌توانند از ترکیه به بخش‌های دیگر اروپا مهاجرت کنند و با توجه به مقاومت سنتی مسلمانان در مقابل همسان‌سازی فرهنگی،

برای خود اروپایی‌ها بسیار مشکل می‌شود که خود را به عنوان اروپایی تعریف کنند (Lewis:2003,90). بنابراین برای ساکنان اروپایی گزینه‌ی مطلوب این است که مسلمانان نباید به طور کامل در جوامع آنها هضم شده و از بین بروند. بلکه همان‌طور که هستند باشند تا بتوانند به کمک آنها «هویت‌سازی» (Identification) کنند. فقط باید از روند رو به رشد مهاجرت آنان به اروپا جلوگیری شود. (Larsson:2008,106)

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

به‌رغم این‌که اروپا فاجعه‌ی حزن‌انگیز و نابودگر هیتلر را تجربه کرده و نژاد پرستی به عنوان یک ایدئولوژی، جاذبه‌ی جهانی خود را از دست داده است، لکن حضور جمعیت قابل توجهی از مسلمانان در اروپا، بعد از جنگ جهانی دوم، و موانع متعددی که برای هضم و جذب آنها در فرهنگ‌های بومی وجود دارد، موجب رشد نوعی نژادپرستی جدید با ویژگی‌های خاص خود در جوامع اروپایی شده است. این امر بدین جهت حائز اهمیت است که فرآیند جهانی‌شدن با برجسته‌کردن تمایزهای فرهنگی و تاکید خاص بر مسأله‌ی هویت، زمینه‌ی مناسبی را برای فراگیرکردن این نوع تلقی هویتی فراهم نموده است.

مسأله‌ی درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا و پذیرش و یا عدم پذیرش آن از سوی کشورهای اروپایی، محک مناسبی برای این فرضیه است که آیا پذیرش مسلمانان به منزله‌ی اروپاییان واقعی، هم‌زمان با حفظ هویت اروپایی برای خود اروپاییها ممکن است؟ آیا این امر امنیت فرهنگی اروپایی‌ها را به خطر نمی‌اندازد؟ روند امور ما را به این نتیجه می‌رساند که هویت مسلمانان در اروپا ارتباط تنگاتنگی با امنیت فرهنگی اروپایی‌ها داشته و با وجود تأکید اروپایی‌ها بر مقوله‌ی حقوق بشر و حفظ تمایزهای فرهنگی در چارچوب کثرت‌گرایی اجتماعی و فرهنگی، آینده‌ی مسلمانان در اروپا به صورت نامشخص و مبهم باقی مانده و همچنان شایسته توجه علمی بیشتر است.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولتها و هراس، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
پچی، آبورلیو و دیگران، (۱۳۸۲) جهان در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم، ترجمه‌ی علی اسدی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی .

تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۷) «قدرت و امنیت در عصر پسامدرنیسم»، گفت‌مان، شماره‌ی ۱، بهار

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱)، سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

ب) منابع لاتین

Dilanian, Ken, (2004) "France Struggles to Integrate Its Muslim Minority," *Philadelphia Inquirer*, January 5.

Larsson, Goran (2008) "the study of islam and muslims in Europe : a critical evaluation", Department of religious studies, theology and classical philology, Gotenberg university

Leiken, Robert (2005) "Europes angry Muslims", *foreign affairs*, Vol.84, No 4. Jul -August.

Lewis, Bernard (2003) "The Crisis of Islam". Weidenfeld and Nicholson.

Malik, Mustafa (2003) "Islam's Missing Link to the West," *Middle East Policy*, no.10, spring 1.

More, Rojer (2008) "Things Considered", by :, London February 28

Mustafa, Malik, (2001) "Islam in Europe: Quest for a Paradigm," *Middle East Policy* 8, no. 2, june.

Rabasa, Angel (2005), "moderate and radical islam", testimony presented before the house armed services committee defensive review terrorism and radical islam gap panel on November 3.

Ramadan, Tariq, (2004) "Western Muslims and the Future of Islam", London and New York: Oxford University Press.

Roy, Olivier, (2003) "European Muslims Try to Find a Balance Between European Culture and Values and Islam," National Public Radio's All Fred Halliday. Islam and the Myth of Confrontation. I.B. Tauri.

Zemni, Sami and Parker, Christopher, (2002) "Islam, the European Union, and the Challenge of Multiculturalism," in Islam, Europe's Second Religion, Westport, Conn.: Praeger